

فرهنگ ادبیات و هنر

ضمایر [او]

کتاب پیوشیم

عرفان نظرآهاری به ایده‌ای خلاقانه برای سلامت وادیات در روزگار کرونا رسیده است

عرفان نظرآهاری شاعر، نویسنده و مدیر انتشارات نور و نار در روزگار کرونایی به ابتکار تازه‌ای دست‌زده است. ابتکاری برای دعوت و تشویق مردم به کتابخوانی و استفاده از ماسک. «کتاب- ماسک» عنوانی است که او برای ماسک‌های خاصش انتخاب کرده. این ماسک‌ها که دست‌دوزند و از پارچه‌هایی با الیاف طبیعی تهیه‌شده‌اند با نوشته‌هایی از کتاب همراهند و نقاشی‌های گلدوزی شده روی این ماسک‌ها برگرفته از کتاب‌های عرفان نظرآهاری است. هر ماسک کیفی نیز به همراه دارد که با بخشی‌هایی از کتاب و اطلاعاتی از نویسنده و تصویرگر منقش است. ایده «کتاب- ماسک» را اولین بار عرفان نظرآهاری با گروهی از هنرمندان جوان در میان گذاشت که پیشتر کارگاه «چهل روش برای حال بهتر» را با او گذرانده بودند و براساس آن روش‌ها، کسب‌وکاری به نام «خوشحالی بدوزیم» را راه‌اندازی کرده‌اند.

نظرآهاری می‌گوید، زندگی با کتاب، نوعی فرهنگ زیستن است که می‌تواند روی سبک زندگی ما و تمام رفتارهایمان تأثیر بگذارد. همان‌گونه که کتاب‌ها در برابر حوادث و آسیب روزگار ما را حفاظت می‌کنند، «کتاب- ماسک» هم ما را در این ایام دشوار و خطرناک می‌تواند تا حدودی در برابر آلودگی محیط حفاظت کند و

حس ایمنی به ما بدهد. کتاب‌ها به ما پناه می‌دهند و حافظ ما هستند، ماسک- کتاب هم همین‌طور. گروه نور و نار بیش از دو ماه است که مشغول طراحی و آماده‌سازی این کتاب- ماسک‌ها است و امیدوار است این ماسک‌ها تشویقی باشد برای استفاده هر چه بیشتر از ماسک و رعایت ایمنی در فضای جامعه.

جلسه رونمایی مجازی کتاب- ماسک با شعار «کتاب پیوشیم» دیشب با حضور عرفان نظرآهاری و گروه همکاران از طریق شبکه اینستاگرام برگزار شد.

عرفان نظرآهاری، دکتراي رشته زبان و ادبیات فارسی دارد. آثار متعددی از او منتشرشده که از آن جمله می‌توان به قلبی بزرگ‌تر از جهان، وای اگر پرنده‌ای را بیازاری، من بیابان همسرم باد، دو روز مانده به پایان جهان، روی تخته سیاه جهان با گچ نور بنویس، در سینه‌ات هنگی می‌تپد، پیامبری از کنار خانه ما رد شد، لیلی نام تمام دختران زمین است، جوانمرد نام دیوِ تگر، من هشتمین آن هفت نفرم، چای با طعم خدا و ... اشاره کرد.

کتاب‌های او به زبان انگلیسی فرانسه، ترکی، کردی، عربی، ژاپنی، ایتالیایی، آلمانی، سوئدی، هلندی و ... ترجمه‌شده است.



به مناسبت ایام اربعین حسینی، نمایشگاه عکسی با عنوان «به تو از دور سلام» برگزار می‌شود. آن‌طور که ایسنا نوشته در نمایشگاه «به تو از دور سلام» آثار مجتبی حیدری- عکاس مستند- با موضوع عزاداری حضرت سیدالشهدا به نمایش درمی‌آید که در دو بخش پیاده‌روی اربعین طی پنج سال و روضه‌های خانگی در دوران کرونا تهیه‌شده است. این نمایشگاه از امروز یکشنبه- ۱۳ مهرماه- ساعت ۱۶ توسط آژانس عکس سوافاتح می‌شود.

عکس‌های اربعین در سو



رمان «دراکولا» نوشته برام استوکر با ترجمه محمود گودرزی در نشر برج منتشر و راهی بازار نشر شد. آبراهام استوکر رمان‌ها و داستان‌های کوتاه زیادی در کارنامه دارد، اما با دراکولا شناخته می‌شود که تا به حال اقتباس‌های تصویری زیادی از آن ساخته شده‌است. رمان دراکولا با دفترچه خاطرات مردی به‌نام جان‌اتان هاکر شروع و تمام می‌شود. ساختار این رمان به‌صورت خاطرات، تلگراف‌ها و نامه‌های ارسالی بین شخصیت‌هاست.

دراکولا در برج

این حرف‌هاست که ما آن را در سینما ادکنیم، پلیس ممن این‌که به جز به مناسب، نباید از بم غفلت کرد، یعنی مل مهم استقبال بنمای جهان است. وب برای فیلم‌های لویه‌های ویژه هم رت تولید مناسب، شود. اسماعیلی ماناته از پلیس در ر جامعه می‌گذارد. با بدنی قوی را در نی اکشن و به ویژه یرگر پیشکسوت ی نیروی انتظامی با و بهبود طرح‌های چند مورد دیدم که تهیه‌کننده را برای گذاشت، یکی از خواب‌ویدار بود. گل درشت، قطعاً

بیب‌شناسی

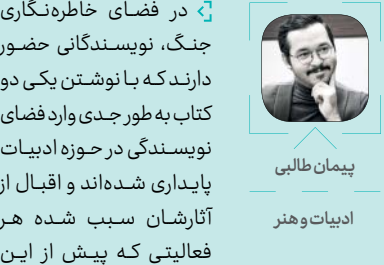
ی یکی از پرکارترین ی و دفاع مقدسی نی اکشن و به ویژه مخدر هم حضور اشت. فیلم‌هایی بب و زخمی ازجمله ن فضایی داشتند. سینمای ایران را در ح حیدری به تصویر صل مشترک همه حسین فرحبخش فرحبخش حتی در خورود و اکبر عبدی، ای برای دستگیری ... در باره فیلم‌های جام جم گفت: به یم فیلم‌هایی که ما نیروی انتظامی سی نسخه است. خت این فیلم‌ها، ند و می‌گفتند این (به جز فیلم آواز فو تخنیم و با تمجید و فیلم‌ها کلی هزینه یلم خرج می‌کردیم. می هم نه همکاری وواتشان هم پول ساب‌کتاب می‌کنند گبر و گمکی کند مامه می‌گیرد، چرا در ه‌کننده و کارگردان ی انتظامی نیست و و حق‌شان بالاتر از

قلم‌های خون چکان پلیس نشان

گاهی سینماگران کم‌کاری و انفعال خودشان در زمینه سینمای پلیسی را متأثر از ادبیات کم‌جان و کم‌رق پلیسی جنایی می‌دانند و توپ را در زمین ادبیات می‌اندازند. با این حال به نظر می‌رسد ادبیات پلیسی جنایی ایران، آنقدرها هم اوضاع نامیدکننده‌ای ندارد. درست است که همچنان از رمان فیل در تاریکی نوشته قاسم هاشمی‌نژاد به عنوان بهترین رمان در این زمینه یاد می‌کنند، اما در سال‌های اخیر هوای تازه‌ای به این گونه ادبیات دمیده شده و نویسندگانی چون محمدحسن شهسواری، مصطفی حسینیون، لاله زارع و مجتبی هوشیارمحبوب آثار قابل اعتنایی را در این خصوص نوشته‌اند. اینها پشتوانه‌های خوبی برای سینمای جنایی و پلیسی خواهند بود. به جز این، پاورقی نویسی جنایی در نشریات هم سابقه‌ای طولانی در ایران دارد که می‌توان به عنوان منابع اقتباس به آنها مراجعه کرد. البته ادبیات پلیسی و جنایی و کارآگاهی ایران به هیچ وجه قابل مقایسه با نمونه‌های موفق ادبیات غرب نیست که پلیس‌ها و کارآگاهان نامداری همچون پروآر و شرلوک هولمز را به ادبیات و سینما و تلویزیون هدیه داده‌اند.

مدارآب‌وابیچی وطنی!

ضمن اشاره به برخی پلیس‌های خوب و ماندگار تلویزیونی در آثاری چون کارآگاه علوی، سرخن و خواب و بیدار که گاهی جور کم‌کاری سینمایی در این خصوص را کشیده‌اند، بد نیست یادی هم از شبکه نمایش خانگی کنیم که هنوز نتوانسته یا نخواسته تصویر جذاب و مقتدری از پلیس ایرانی ارائه کند. بهترین فرصتی که تا اینجا امکان ارائه یک پلیس جذاب را می‌داد، سریال همگناه و نقش پرویز پرستویی (سرهنگ فریبرز صوری) بود که با وجود تلاش‌هایی در بازی و فیلمنامه، چندان نشانی از پلیس جذاب و باهوش و مقتدر نداشت و حتی وقتی متوجه مجرم بودن پسرش با نام مستعار گورکن شد، به جای وظیفه‌شناسی، کم و بیش منفعل عمل می‌کرد. یاد فیلم هندی قانون رامش سیپی بخیر که با همه گل درشتی اش، پدر (دیلپ کومار) از خجالت پسر خلاف‌کارش ویچی (آمیتاب باچان) درآمد و آگاهانه سهراب‌کنش کرد! ^۲



پیمان طالبی

ادبیات و هنر

داشته‌اند، تحت تأثیر نویسندگی‌شان قرار بگیرد و حتی حرفه‌شان تغییر کند. در این میان، رزمندگانی نیز هستند که نمی‌توان نام «نویسنده» را به آنان اطلاق کرد. آنان فقط یک‌سری از اتفاقات را از نزدیک لمس کرده‌اند و حالا روی همان دیده‌ها هستند. صبح پیری، یک نویسنده تخصصی حوزه دفاع مقدس نیست. از او به جز «شانه‌های زخمی خاکریز» کتاب دیگری در این ژانر و فضا وجود ندارد. اما همین یک اثر آنچنان خواننده و زیبا نوشته شده و به قدری از تصویرسازی‌های بدیع برخوردار است که باعث شده نام نویسنده میان مولفان برتر ادبیات پایداری قرار گیرد. جالب اینجاست که اقبال از این کتاب نیز سبب نشد نویسنده کتاب دیگری درباره جنگ بنویسد، چرا که احتمالاً به زعم خود تمام خاطراتش را در یک کتاب پیاده‌سازی و منتشر کرده و انتشار کتاب دیگر شاید بیشتر به کتاب‌سازی پهلوی بزند. در این یادداشت مروری داریم بر کتاب شانه‌های زخمی خاکریز که خاطرات صبح پیری، امدادگر جانباز را روایت می‌کند.

چگونگی شکل‌گیری

آن‌طور که نقل می‌کنند پس از قطعنامه، نویسنده ما شبیه آدم‌هایی شده بود که به تازگی بیکار شده‌اند و به همان اندازه دلخور. در همان روزها، دفتر ادبیات و هنر مقاومت به صیاح پیشنهاد کرد خاطرات هفت‌ساله جبهه‌اش را بگوید. او هم شروع کرد و با حوصله ۳۲نوار یک ساعتی را پیر کرد. همه آن نوارها، جمله به جمله روی کاغذ نشستند و پس از ویرایش، شانه‌های زخمی خاکریز را در ردیف کتاب‌های جنگ قرار دادند.

کتاب توسط حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۶۹ منتشر شده و در حال حاضر نیز توسط انتشارات سوره مهر در بازار کتاب موجود است.

بریده‌هایی از کتاب

غرور لذت بخش من!

صبح یک روز، یادداشتی کنار پنجره گذاشتم و رفتم. مجبور بودم یواشکی بروم تا کسی نفهمد. رضایت‌نامه را هم خودم توی کوچه امضاء کردم. دیگر نمی‌شد بیشتر از این منتظر ماند؛ آنها رضایت نمی‌دادند. مادر هنوز از بیمارستان نیامده بود و من از این فرصت صبحگاهی استفاده کردم. او شب‌ها می‌رفت بیمارستان و پیش برادر کوچکم می‌ماند که شکمش را جراحی کرده بودند. یک روز سکه‌ای در دهان گذاشته بود، سکه غلتیده و از گلو گذشته و وارد شکم شده بود. پدر نداشتم. دو سالی می‌شد که فوت کرده بود. مادر هم می‌گفت که ستم به این حرف‌ها نمی‌خورد و بهتر است بیشتر به درسم مشغول باشم. کلاس دوم نظری بودم. با ۱۶ سال سن. خالد، برادر بزرگ‌ترم که

نگاهی به کتاب «شانه‌های زخمی خاکریز» که خاطرات یک امدادگر جانباز را روایت می‌کند

امداد بر شانه‌های زخمی

نان آور خانه بود نیز رضایت‌نامه را امضاء نمی‌کرد. پس بهترین کار همین بود. صبح که مادر هنوز نیامده و دیگران هم خوابند، بروم. به مدرسه که رسیدم فقط «انفرآمده سفر بودند. والدین دیگر بچه‌ها موافقت نکرده بودند. داشتند یک جوری ما «انفر را نگاه می‌کردند؛ با نوعی حسرت و حسادت! احساس می‌کردم همه مرا نگاه می‌کنند، شاید هم خیال می‌کردم. اما غروری لذت بخش داشتم. انگار از همین حالا تفنگ در دستم بود. «انفر از دبیرستان مروی تهران بودیم که می‌رفتیم جنگیم! از مدرسه به ستاد پشتیبانی جنگ در خیابان ۳۰تیر رفتیم. ناهار را که خوردیم، گفتند از میان خودمان یکی را به عنوان مسؤول گروه انتخاب کنیم. بچه‌ها مرا انتخاب کردند. شدم مسؤول گروه «انفره‌ای که بعدها دیگر «انفره نبود. یکی شهید شد(سعید بادامچیان)، یکی دو پایش قطع شد(ضرابی)، یکی چشمش ترکش خورد و از حدقه درآمد(شهسواری)، یکی مفقودالآخر شد(حسینی) و...

برای آمدن مهمان مهیاباشید

در شب سرد و تاریک با قایق‌های موتوری به خط رسیدیم. شب بود و منطقه شبی نامعلوم. از کمین‌ها گذشتیم به دژ اول رسیدیم که شش متر پینا داشت. آن‌را هم رد کردیم. از جاده مستقیمی به خط دوم رسیدیم. جلوتر، نبرد ادامه داشت. از تانک‌های دشمن آتش بر می‌خاست و صدای انفجار مواد منفجره داخل تانک‌ها، منطقه را پوشانده بود. جلوتر که رفتیم بچه‌ها شروع کردند به حفر سنگر. من چون بیل نداشتم چند گونی را پر خاک کردم و بالای دژ سنگری ساختم. روبه‌رو، تلی از خاک قرار داشت که ما درست پایین‌تر از خط الراس آن پناه گرفته بودیم. شب را همان جاسپری کردیم و نزدیکی‌های سرزدن سپیده نماز را با تیمم و پوتین خواندیم که دستور آمد جلوتر برویم. جلوتر، بین آشیانه تانک‌ها و خط دوم نبرد، یک مقر عراقی بود که اطرافش را با سیم خاردار و مین محافظت می‌کردند. اینجا مقر فرماندهان دشمن بود که به دست بچه‌ها تخریب و منهدم شده بود. هنوز

کتابی برای شب قدر

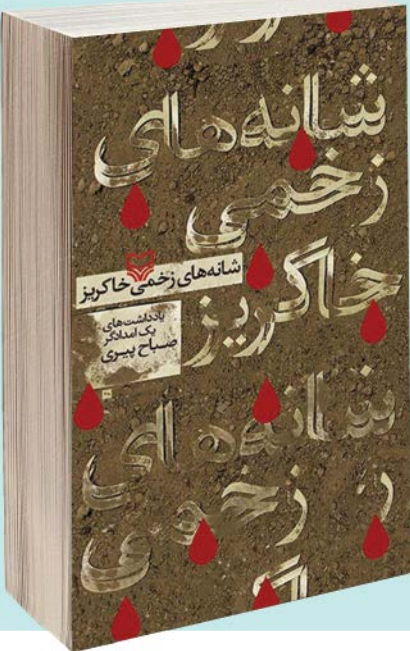
شانه‌های زخمی خاکریز از اولین کتاب‌هایی است که رهبر معظم انقلاب بر آن تقریظ نوشته‌اند. درمورد تقریظ این کتاب نکته جالب توجه دیگری نیز وجود دارد و آن این که در انتهای متن یادداشت رهبر، درج شده: شب ۲۱ رمضان! یعنی رهبری این کتاب را در شب قدر مطالعه کرده‌اند. شبی که همه ما از چنین شخصیتی با این جایگاه رفیع انتظار داریم به دعا و مناجات و قرآنت ادعیه و زیارات بگذرانند. پس معلوم می‌شود این کتاب برای ایشان از حیث معرفتی با یک مناجات‌شب قدربرابری می‌کرده‌که مطالعه آن را در این شب عزیز برگزیده‌اند و اما متن تقریظ: بسم!... الرحمن الرحیم

در این نوشته هرچه به آخر نزدیک‌تر می‌شویم، روح اخلاص و صفایی را که در آن موج می‌زند بیشتر حس می‌کنیم، من به حال خود حسرت می‌خورم و به این جوانان شجاع و بالیامان و فداکار غبطه می‌برم که در عمری کمتر از نیمه عمر ما، به مقاماتی رسیده‌اند که امثال من با خواندن شرح آن، احساس عروج معنوی می‌کنند. خداکند در کشاکش زمانه، آنچه را در معراج جهاد و فداکاری به‌دست آورده‌اند بتوانند به‌خوبی حفظ کنند. این نوشته هنرمندانه و دارای اثری استوار نیز هست که ارزشش را بیشتر می‌کند.

ویژگی مهم این کتاب آن است که حال امدادگران را شرح می‌کند. بسیاری لازم بوده و هست که جبهه‌گیان رسته‌های غیررزمی مانند؛ جهادگران، امدادگران، رانندگان، آتشپزها و تدارکاتی‌ها که هر کدام عالم مخصوص به خود داشته‌اند، و بعضاً فداکارپیشان از رزمندگان خطوط مقدم کم‌خطرتر نبوده بلکه حتی پرخضرتر هم بوده (مثل سنگرسازان و خاکریززان)، نیز

شرح خود را بنویسند، یا بگویند و کسی بنویسد. باری از این جوان عزیز و از ناشرین باید تشکر کرد.

۷۱/۱۶ و ۲۱ رمضان المبارک ۱۴۱۲ ^۱



عدد چهارم

«پاییزه کتاب ۹۹» از ۵ آبان

طرح «پاییزه کتاب ۹۹» از پنجم آبان‌ماه اجرا می‌شود و آن‌طور که مدیرعامل موسسه خانه کتاب گفته طرح تا دوشنبه (۱۲ آبان‌ماه) به مدت هشت روز همزمان در سراسر کشور در کتابفروشی‌های عضو طرح برگزار می‌شود.
ایوب دهقان‌کار همچنین گفته در این دوره هر خریدار می‌تواند تا سقف ۲۰۰ هزار تومان کتاب بخرد.

«ماچو گریه کن» برای اسکار آینده آماده می‌شود

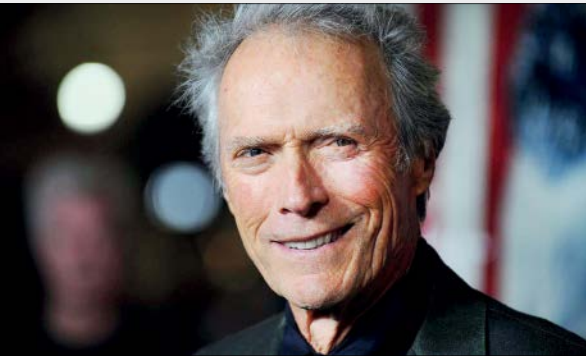
ایستود در کنار کارگردانی فیلم، بازیگر اصلی آن هم هست. هنرمند اسکارگرفته سینما در ساخته جدید خود، در قالب شخصیتی به نام جک ظاهر می‌شود که ستاره‌ای فراموش شده و منزوی است. او از سوی مدیر سابق خود مامور می‌شود تا پسر جوان او را از منطقه‌ای دورافتاده در مکزیک به تگزاس برگرداند. به صورت طبیعی، در طول سفر اتفاقاتی رخ می‌دهد که خط اصلی داستان فیلم را به جلو می‌برد. هنوز بازیگر جوان ماچو گریه کن انتخاب نشده است. براساس شنیده‌ها، کلید فیلمبرداری این درام جاده‌ای اواخر فصل پاییز در نیومکزیکو زده خواهد شد.

ایستود آخرین بار در سال ۲۰۱۸ در «قاطر» ساخته خودش جلوی دوربین ظاهر شد. منتقدان بازی او را در این فیلم، تحسین کردند، اما در درام اجتماعی

بیان‌کننده مسائل و مشکلاتی است که اقلیت‌های قومی با آنها روبه‌رو هستند.

هنرمند کنه‌کار سینما که منتقدان از او به‌عنوان هنرمندی چندوجهی اسم می‌برند که با یک دست چند هوندانه برمی‌دارد، در رابطه با کارهای جدیدش می‌گوید: «برای تماشاگران سینما جالب است که داستان‌هایی را روی پرده سینما ببینند که بازگوکننده مسائل خودشان است. ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که اقوام و ملیت‌های مختلف و گوناگونی را در خود جای داده است. طبیعی است که صنعت سینما به آنها توجه داشته باشد و فیلم‌هایی درباره‌شان تولید کند. کارهای اخیر من با وجود داستان‌های متفاوتی که داشته‌اند، سخنگوی افرادی بوده‌اند که صداپیشان در سطح وسیعی شنیده نمی‌شود. فیلم‌های سینمایی وظیفه دارند صدای آدم‌های خاموش باشند».

اظهارات ایستود در شرایطی است که او در دوران جوانی خود، بیشتر به‌دنبال همکاری با محصولات بود که ارتباطی با مسائل و مشکلات روزمره مردم عادی نداشته و برای گیشه نمایش ساخته می‌شدند. منتقدان سینمایی می‌گویند ایستود با بالا رفتن سنش، پوست انداخته و سراغ مضامینی رفته که در دوران جوانی‌اش آنها را تقبیح می‌کرد!
هایلوود ریپورتر



افشاگرانه ریچارد جول بازی نداشت. ماچو گریه کن برای نمایش عمومی در فصل پاییز سال آینده میلادی آماده می‌شود، تا بتواند در رقابت‌های اسکاری پیش روی خود شرکت کند. ایستود از داستان این فیلم به عنوان درامی انسانی یاد می‌کند، که به حال و هوای این روزهای جامعه آمریکا می‌خورد و